

حکم فقهی هنرهای تصویری و تجسمی

نقیسه حسینی اترچالی^۱

^۱ اشتغال به تحصیل سطح ۴ (رشته فقه و خانواده)، مدرسه علمیه عالی تخصصی الزهرا(س) گرگان

چکیده

یکی از مهمترین مسائل و موضوعات زندگی جمعی و متمدن بشر، مساله مجسمه سازی و نقاشی است. از آن جایی که این مساله از امور مورد ابتلا در زمان های مختلف از جمله عصر حاضر است. رسیدگی به آن از اهمیت خاصی برخوردار است.

باتوجه به این که در جامعه اسلامی زندگی می کنیم و باید براساس آموزه های دینی رفتارکنیم وجود شبهه در حکم فقهی هنرهای تجسمی مشکلی اساسی بر سر راه مردم جامعه و دوست داران و هنرمندان متعهد این عرصه می باشد. بحث هنرهای تجسمی، یکی از مسائل مهم زندگی مردم به شمار می آید و علاوه بر آن با توجه به گرایش عظیم قشر جوان به این هنر، حرمت در این مساله کسب و در آمد های مردم را با مشکل شرعی مواجه می کند.

در این مجال سعی شده است به بیان حکم شرعی مجسمه سازی و نقاشی پرداخته شود. آنچه که با بررسی و دقت نظر در آیات و روایات و مطالعه در کتب فقهی فقیهان پیشین و معاصر به دست آمد این است که نقاشی و مجسمه ی چیزهایی فاقد روح مانند درختان، میوه ها، کوه ها، رودخانه، باغ و نظایر آن اشکال ندارد. محل بحث، تصویر برجسته و غیر برجسته جانداران است. نکته ای که حائز اهمیت است این است که نقاشی و مجسمه سازی که مورد نهی واقع شده است در خصوص هیاکل عبادت و بت پرستی در دوران جاهلیت و هم چنین اظهار همانندی و خود را شریک خدا دانستن است.

کلید واژه: مجسمه سازی، حکم فقهی، هنرهای تصویری و تجسمی، تمثال.

مقدمه

آنچه در روزگار ما در قالب هنرهای تجسمی جای می گیرد عبارت است از: عکاسی، گرافیک، نقاشی، طراحی و مجسمه سازی. پیدایش و گسترش مجسمه سازی و نقاشی، انگیزه ها و علت های گوناگونی دارد و سرچشمه گرفته از گرایشها و ذوقهای روحی، هنری و از جمله به انگیزه پرستش بوده است.

اما امروزه جلوه های نوین هنر به اندازه ای گسترده شده است که هنوز صدها پرسش در خصوص بحث مجسمه سازی فراروی مجتهد و مقلد است و تغییرات و مقتضیات زمانی و مکانی، باز نگری جدیدی را در موضوع مجسمه سازی می طلبد. از این روی، شایسته و بایسته است که از دیدگاه فقه اسلامی، حکم این موضوع، به تحقیق و بررسی گذاشته شود. علت انتخاب موضوع، نشأت گرفته از شبهاتی بود که محقق در خصوص حرمت یادگیری و استفاده از هنرهای تجسمی شنیده بود شروع شد. حرمت در این مساله، کسب و در آمد های مردم را با مشکل شرعی مواجه می کند. فایده این تحقیق، این است که حل حرمت مجسمه سازی که باعث پیدایش منفعت حلال و گاهی ضروری در موضوعاتی مثل: تکریم از مشاهیر علمی و ادبی و استفاده آنها در آموزش پزشکی، سیاسی، نظامی، آموزش و پرورش، تزئینات، حفظ آثار و تاریخ گذشته ملتها، انتقال پیام های فرهنگی و دینی و... می گردد، نیازمند تحقیق و مطالعات بیشتر، توسط فقها و مجتهدین در این زمینه می باشد.

در خصوص این موضوع برخی از محققان تحقیقاتی را ارائه کردند و به قسمتی از این موضوع اشاره کردند به عنوان مثال در تحقیقاتی بیان شده است که هر گونه حکم در زمینه مجسمه سازی و نقاشی صرفا امری اجتهادی بوده و تنها به برداشت مجتهد و فقیه وابسته است و این امور فی نفسه حرام نیستند.

در این تحقیق سعی شده به یک سوال اصلی که حکم فقهی هنرهای تصویری و تجسمی و یک سوال فرعی که حکم نگهداری مجسمه و نقاشی باشد و همچنین نظر نگارنده نیز پرداخته شود.

حکم فقهی هنرهای تصویری و تجسمی

تصویر همان، نقاشی صورت اشیاء یا اشخاص بر تخته یا دیوار یا مانند آن دو به وسیله قلم یا قلم مو یا به وسیله ابزار نقاشی. و مجسمه همان پیکر، هیكل، تندیس و تمثال، بی حرکت بودن و از کار عاجز بودن می باشد.

در خصوص حکم حرمت هنرهای تصویری و تجسمی به آیات و روایاتی استناد شده است که به بررسی آن ها می پردازیم. در خصوص حرمت مجسمه سازی و نقاشی به پنج آیه استناد شده است که ما به دو آیه اشاره میکنیم.

الف: سوره انبیاء آیه ۵۲ و ۵۳:

خداوند متعال در سوره مبارکه انبیاء می فرماید: « و اذ قال لایبه و قومه و ما هذه التماثل التي اُنتم لها عاكفون (۵۲) قالوا وجدنا اباءنا لها عابدون (۵۳) »^۱ ابراهیم به آذرو قومش گفت این تمثالها چیست که آنها را پرستش می کنید؟ گفتند پدران ما اینها را پرستیده اند. در زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) مردم به جای پرستش خدای متعال به پرستش بتها روی آورده بودند و آن را شیوه و روش خود قرار داده بودند و برای نگهداری بتهای خود، بتخانه هایی داشتند که علاوه بر نگهداری بتها در آنجا به عبادت آنها نیز می پرداختند. حضرت ابراهیم (علیه السلام) زحمات زیادی در این خصوص کشیدند تا آنها را از این کار باز دارند ولی مردم و بعضی از بستگان ایشان به کار خود ادامه دادند تا اینکه حضرت (علیه السلام) به ستوه آمدند و به مبارزه با آنها برخاستند نتیجه این که آنچه مورد مذمت حضرت ابراهیم (علیه السلام) نسبت به قومش بوده است خو گرفتن به بت پرستی و پیروی از روش نیاکان خود می باشد.^۲

علامه طباطبایی و سید عبدالحسین طیب و سید محمد حسین حسینی همدانی در تفسیر این آیات می فرماید: مقصود آن جناب از این تماثل، همان بتهایی بود که آنها مورد پرستش و پیشکش قربانی انجام می دادند و وقتی حضرت ابراهیم (علیه السلام) می خواست از حقیقت این پرستش و از خاصیت آن سر در بیاورد که علت این پرستش چیست؟ در جواب این پرسش، قومش به او گفتند این عمل از سنت دیرینه آباء و اجدادی ماست^۳

ه- سوره سبا آیه ۳۰:

۱ - انبیاء (۲۱)، آیه ۵۲ و ۵۳

۲ - فضل بن حسن طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۳۳.

۳ محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، ص ۴۱۹ و عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۹، تهران، اسلام، ۱۳۷۸، ص ۱۹۶ و سید محمد حسین حسینی همدانی، انواردرخشان، ج ۱۱، تهران، کتاب فروشی لطفی، ۱۴۰۴، ق، ص ۶۴

آیه دیگری که در این خصوص آمده است از سوره سبا آیه ۳۰: « يعلمون له ما يشاء من محاريب و تماثيل... » برای او هر چه می خواست از محرابها، و تمثالها، و کاسه هایی چون حوض، و دیگهای ثابت در زمین، درست میکردند، گفتیم: ای آل داوود! شکر بگزارید، و بندگان شکرگزار من اندکند.^۱ در خصوص این آیه کسانی که قائل هستند مجسمه سازی و نقاشی حرام است می گویند جایز بودن صورتگری و مجسمه سازی مربوط به شریعت گذشته و شریعت قبل از ما بوده است و این عمل در اسلام حرام است.

اما با دقت در سیاق آیه کریمه، می توان به این مطلب دست یافت که این آیات، بیانگر ستایش نعمت های الهی است که برای سلیمان نبی(علیه السلام) بازگو شده است. همان گونه که قبل از این آیه از مسخر شدن باد ها توسط آن حضرت بیان شده است. « ولسليمان الريح غدوها شهر ورواحها شهر»^۲ «و باد را مسخر سلیمان کردیم. بامدادان یک ماهه راه می رفت و شبانگاه یک ماهه را همانطور که پیش از این به داود به پدر سلیمان نیز نعمت هایی داده بود و از آنها سخن به میان آورده بود» « ولقد آتينا داود منا فضلا يا جبال أو بی معه والطير...»^۳ داود را از سوی خود فضیلتی دادیم که ای کوه ها وای پرندگان با او هم آواز شوید و آهن را برایش نرم کردیم. و خداوند تمام این مطالب را با این مطالب به پایان رساند: «اعملوا آل داود شكراً و قليلاً من عبادي الشکور»^۴ «ای خاندان داوود برای سپاس گزاری کاری کنید و اندکی از بندگان من سپاسگزارند».

بسیار بعید است که خداوند چیزی را برای پیامبری مباح کند و مورد ستایش قرار دهد و آن را جزء نعمتهای آنها حساب کند ولی بعد از آن بگوید که این ها در شریعت اسلام نسخ شده است. اسلام برای این آمده است که مشکلات و بارهای سنگین را از دوش بندگان بر دارد و مجسمه سازی و صورتگری جزء بارهای سنگین نیست که اسلام بخواهد آن را بر دارد و مجسمه هایی که برای حضرت سلیمان ساخته می شد، مجسمه های بت و شرک نبود که بخواهد آن ها را مورد نکوهش قرار دهد. خلاصه کلام این که دلالت این آیه بر جواز روشن تر است تا بر حرمت.

حکم حرمت مجسمه سازی و نقاشی در روایات

تصاویر بردو گونه اند: تصاویر برجسته (مجسمه) و تصاویر غیر برجسته (نقاشی) و هریک از آن دو نیز یا مربوط به جانداران است یا غیر جانداران.

^۱ سوره سبا(۳۴)، آیه ۱۳

^۲ همان

^۳ سوره سباء(۳۴)، آیه ۱۰

^۴ سوره سبا(۳۴)، آیه ۶۳

دو قسم از چهار قسمی که بیان کردیم - یعنی تصویر چیزهای فاقدروح - برجسته باشد یا غیر برجسته، بدون اشکال جایز است. دلیل جواز در این خصوص عبارت است از:

الف) روایت اول: در صحیح محمد بن مسلم آمده است: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن تماثيل الشجر و الشمس و القمر؟ قال: لا بأس، ما لم يكن شيئاً من الحيوان؛^۱

از حضرت صادق (علیه السلام) درباره تمثال درخت، خورشید و ماه سؤال کردم، فرمود: هرچه تمثال حیوان نباشد اشکال ندارد.

۱. نظر شیخ انصاری

در خصوص این روایت اقوالی مطرح است: شیخ اعظم انصاری در رابطه با این روایت می فرماید: این که در روایت، خورشید و ماه در کنار درخت بیان شد قرینه است بر این که مراد از تصویر، صرف نقاشی کردن است نه ساختن مجسمه، زیرا در آن زمان ها ساختن مجسمه خورشید و ماه معمول نبوده - زیرا کرویّت آنها معلوم نبوده است - بلکه نقاشی آنها معمول بوده است.^۲

این استدلال مخدوش است. زیرا احتمال دارد مقصود راوی دانستن حکم نگهداری نقاشی یا بازی با آنها بوده است که به بعد از فرض ساخت و آفرینش آنها مربوط می شود. با این احتمال دیگر نمی توان از روایت به دست آورد که ایجاد و آفرینش نقاشی نیز حرام است - بهتر است بگوییم که پرسش از امام (علیه السلام) اختصاص به عمل و ایجاد نقاشی ندارد بلکه نگهداری آن را نیز فرا می گیرد. از این رو نمی توانیم آن را به ایجاد نقاشی یا نگهداری آن اختصاص دهیم - چنان که صحیح نمی نماید که روایت مزبور را مختص به صرف کشیدن نقاشی بدانیم، زیرا این امکان هست که مقصود از سوال از تماثل، مجسمه سازی هم باشد، به ویژه در مثل درخت و نظائر آن. بنابراین مقتضای اطلاق سوال و عدم تفصیل امام (علیه السلام) بین مجسمه سازی و نقاشی یا بین ساختن و نگهداری آن ها این است که سوال و جواب را شامل همه اقسام بدانیم.

۲. محقق ایروانی

^۱ احمد بن محمد بن خالد برقی، محاسن، قم دارالکتب اسلامیة، ۱۳۷۱، ص ۶۱۹

^۲ مرتضی بن محمد امین انصاری، مکاسب محرمة، ترجمه محمد مسعود عباسی، چاپ چهارم، قم، انتشارات دارالعلم، ص

با این حال محقق ابروانی اشکال دیگری بر این روایت گرفته است: مقتضای این صحیحه آن است که نقاشی مادامی که تصویر حیوان نباشد اشکال ندارد، این قضیه نسبت به نقاشی حیوان مهمل است از این رو از آن به دست نمی آید که کشیدن نقاشی تمام حیوانات اشکال دارد^۱ گواه این مدعی آن است که پرسشگر در مقام سوال از حکم نقاشی موجودات فاقد روح بوده است چنان که وقتی می بینیم او از بین تمام چیزها تنها از درخت و خورشید و ماه پرسش می کند، این نشان گر آن است که پرسش گر از نقاشی موجودات فاقد روح سوال کرده است بنابراین دیگر نمی توان احراز کرد که امام (علیه السلام) در صدد بیان خصوصیات حکم نقاشی حیوان بوده است. اگر از آن ذکری به میان آورده از باب تفضل بوده است. نتیجه آن که با وجود مهمل بودن قضیه نسبت به حکم نقاشی حیوان، نمی توان حکم منع را شامل نقاشی حیوان دانست، زیرا احتمال دارد آن چه از آن منع شده ساختن تندیس حیوان بوده است (نه نقاشی آن). اشکال دیگر براستدلال به این روایت از سوی صاحب جامع المدارک با این بیان شده است: استثنایی که در صحیحه محمد بن مسلم آمده از جهت مصور، استثنای منقطع است زیرا سوال ناظر به درخت و خورشید و ماه بوده اما آن چه در استثناء آمده حیوان است چنان که همین استثناء از نظر تصویر نیز منقطع می باشد به این معنی که در مستثنی منه حکم تنها ناظر به نقش و تصویر است اما آن چه در مستثنی یعنی حیوان آمده افزون بر تصویر، مجسمه سازی نیز می باشد^۲ این اشکال از نظر ما قابل پذیرش نیست، زیرا مستثنی منه از نظر مجسمه سازی یا نقاشی و تصویر مطلق بوده و هر دو را شامل است. لذا مستثنی نیز به تبع آن عام می باشد. اشکال نخست محقق ابروانی که روایت را نسبت به حکم نقاشی حیوانات مهمل می دانست به جا است، لذا روایت مورد بحث نسبت به نقاشی موجودات دارای روح اطلاق ندارد و دلیلی بر حرمت آن نخواهد بود.

(ب) روایت دوم: صحیحۀ زراره از امام باقر (علیه السلام) است: لا بأس بتمائیل الشجر؛ تصویر درخت اشکالی ندارد.^۳

با توجه به روایات بیان شده به این نتیجه می رسیم که نقاشی و مجسمه چیزهای فاقد روح مانند درختان، میوه ها، کوه ها، رودخانه ها، باغ ها و نظایر آنها اشکالی ندارد.

^۱ . علی بن الحسین نجفی ابروانی، حاشیه مکاسب، جلد ۱، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۲

^۲ سید احمد بن یوسف خوانساری، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، چاپ دوم، بی جا، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ه. ق.

^۳ سید حسین بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۷، باب تحریم به تصویر کشیدن تندیس موجودات دارای روح، ح ۱۴،

قم، المطبعه العلمیه، بی تا، ص ۲۲۳

محلّ بحث، تصویر برجسته و غیر برجسته جانداران است که در این نوشتار به آن می پردازیم. در این خصوص چهار دسته روایات وجود دارد که به بررسی آن می پردازیم. ۱- روایات دلالت کننده بر حرمت مطلق مجسمه و نقاشی- ۲- روایات دلالت کننده بر دمیدن روح توسط مجسمه ساز در نقاشی- ۳- روایاتی که مجسمه ساز را ظالم و ملعون می داند- ۴- روایات کراهت و خوش نداشتن ائمه (علیهم السلام) از نفس وجود مجسمه و نقاشی

۱) روایات دلالت کننده بر حرمت مطلق مجسمه و نقاشی

در روایات نقل شده است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت امیر(علیه السلام) مأموریت دادند که مجسمه ها را در هم بشکند و نابود سازد. روایت سکونی به نقل محاسن برقی:

(علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوفلي عن السكوني عن ابي عبدالله عليه السلام. قال: اميرالمؤمنين عليه السلام: بعثني رسول الله صلى الله عليه وآله الى المدينة فقال: لاتدع صورة الأ محوتها ولاقبراً الأ سوّيته ولاكلباً الأ قتلته.)^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلوات الله علیه مرا به شهر مدینه اعزام کرد و دستور داد: همه مجسمه ها را محو و نابود کن و قبرها را هموار و صاف کن و سگها را از بین ببر. با توجه به این دستور معلوم می شود وجود مجسمه چیزی است ناپسند و اگر وجود چیزی ناپسند و ناروا باشد، به حکم ملازمه بین ایجاد و وجود از حیث حکم، پس ایجاد و ساختن او هم ممنوع و ناشایست خواهد بود. با عنایت به این که ساخت مجسمه غیر جانداران جایز است، پس مراد از این مجسمه هایی که دستور به محو و نابودی آنها صادر شده مجسمه حیوانات خواهد بود و در نتیجه، حدیث بر حرمت ساختن مجسمه حیوانات دلالت خواهد داشت.

نقد و بررسی

با توجه به این که واژگان: صورت، قبر و کلب نکره اند و در سیاق نهی واقع شده اند به مقتضای آنچه در علم اصول اثبات شده، نکره واقع در سیاق نهی مفید عموم است. یعنی همه مجسمه ها را بشکن و همه قبرها را خراب کن و همه سگها را از بین ببر.

اکنون جای این پرسش است که آیا چنین احادیثی، در مقام بیان حکم کلی الهی هستند که در همه جا و همیشه شکستن مجسمه، کشتن سگ و خراب کردن قبر، واجب است؟

۱. ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن برقی، جلد ۲، چاپ دوم، قم، دارالکتب السلامیه، ۱۳۷۱ ه ق، ص ۶۱۳

یا این که چنین احادیثی جریان ویژه ای را در بر می گیرند که ارتباط پیدا می کند به مکان و زمان و شرایط خاص عصر حضرت رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیر(علیه السلام) به اصطلاح: قضیه فی واقعه.

یعنی مراد همه مجسمه ها در همه زمانها و مکانها و همه قبرها در همه عصرها و مکانها نیست، بلکه مراد مجسمه ها و قبرها و سگهای خاصی بوده اند؟

روشن است که التزام به وجه اولی که این روایات در صدد بیان یک حکم کلی الهی ابدی و همه جایی و همگانی باشند، به هیچ وجه پذیرفته نیست. هیچ کس هم به چنین حکمی ملتزم نشده است. بنابراین باید گفت، روایات به جریان خاص و شرایط ویژه و زمان و مکان خاصی نظر دارد. در حقیقت مربوط به یک واقعه و حادثه مخصوصی است.

مراد از مجسمه هایی که حضرت امیر(علیه السلام) مأموریت شکستن و نابود کردن آنها را دارد، مجسمه های خاصی است که به عنوان هیاکل عبادت و بت پرستش می شده اند و مراد از قبرهایی که دستور تخریب آنها را صادر فرموده قبرهای خاصی مثل قبرهای یهودیان و مسیحیان است که آنها را قبله گاه خویش می دانستند و در کنار آن قبرها مجسمه هایی از حضرت مسیح یا حضرت مریم و بزرگان علم و دین خود ساخته بودند و آنها را پرستش می کردند.

و مراد از سگها، سگهای ولگرد مریض و هار مضر به حال مردم بوده که حضرت دستور قتل آنها را صادر فرموده است.

اگر مراد از مجسمه ها هیاکل عبادت و بتهای مورد پرستش و غرض از قبرها قبرهایی که تعظیم و پرستش می شده است نباشد این قدر اهمیت ندارد که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت علی(علیه السلام) این مأموریت را واگذارد.^۱

با توجه به آنچه بیان کردیم و با در نظر گرفتن دیدگاه بزرگان این گونه احادیث بر فرض حجیت و اعتبار از جهت سندی هیچ گونه دلالتی بر حرمت و بلکه کراهت مجسمه سازی و یا حفظ و نگهداری آن ندارند، زیرا به مقتضای مناسبت حکم و موضوع که امام خمینی می گوید و به حکم وحدت سیاق که هیچ کس در مورد قبر و سگ، این حدیث را دلیل بر حکم کلی و عمومی ندانسته باید مراد از این احادیث بیان حکم حادثه و موضوع خاصی باشد و قابل استدلال و استناد برای همه جا همیشه و همه کس در همه موارد نخواهد بود.

روشن است که خراب کردن چند قبر برجسته و به شکل پشت ماهی ساخته شده و یا شکستن و نابود کردن چند مجسمه از سنگ و چوب و گچ ساخته شده و یا کشتن و از بین بردن چند سگ ولگرد یا

^۱. سید روح الله الموسوی الخمینی، مکاسب محرمة، جلد اول، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ ق، ص

هار آن قدر اهمیت نداشت که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مأموریت از بین بردن آنها را به شخصیتی مانند علی بن ابی طالب (علیه السلام) واگذارد.

به ویژه با توجه به این که فقیهان تسنیم قبر، یعنی روی قبر را مثل پشت ماهی ساختن و حفظ و نگهداری مجسمه را در حدّ یک مکروه و نه حرام و معصیت قبول دارند.

اما اگر مراد از مجسمه ها و قبرها مجسمه و قبرهایی باشد که مورد تعظیم و پرستش گروهی از مشرکان بوده اند طبیعی است نبود کردن اینها از مهم ترین رسالت‌های الهی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در راستای ترویج توحید و مبارزه با شرک و بت پرستی است. انجام رسالتی این گونه خطیر که جنگ با عقائد خرافی و مبارزه با مکتبهای الحادی و نشر و تبلیغ احکام الهی است متناسب و شایسته مقام شخصیتی همانند علی بن ابی طالب است و نه دیگری. و این معنی به خوبی از شواهد تاریخی استفاده می شود.

بت شکنی و نابود کردن مجسمه بتها از مهم ترین وظائف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و در راستای رسالت پر مسؤولیت الهی اوست.

۳) روایات دلالت کننده بر دمیدن روح توسط مجسمه ساز در نقاشی

این دسته از روایات به شرح زیر است:

۱. مرحوم کلینی در کافی از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از مردی از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که امام (علیه السلام) فرمود:

الف: من مثل تمثالا کلف یوم القیامه أن ینفخ فیهِ الروح؛ اهرکس مجسمه ای بترشد روز قیامت او را مجبور می کنند که روح را در آن بدمد.

۲. مرحوم صدوق در کتاب ثواب الاعمال از محمد بن حسن از محمد بن حسن صفار از یعقوب بن یزید از محمد بن حسن میثمی از هشام بن أحمر و عبدالله بن مسکان از محمد بن مروان از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود:

ثلاثة یعدّون یوم القیامه: من صورّ صورة من حیوان یعدّب حتی ینفخ فیها...؛^۲ سه دسته روز قیامت عذاب می شوند: دسته نخست کسانی هستند که حیوانی را به تصویر کشیده باشند: آنان به خاطر این

۱ ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط. الاسلامیه)، ج ۶، چاپ ۴، بیجا، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه ق، ص ۵۲۷

۲ محمد بن علی بن بابویه قمی (صدوق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، چاپ دوم، قم، دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ه ق

کار عذاب می‌شوند تا زمانی که در آن روح بدمند [درحالی که از انجام چنین کاری عاجزند. در این روایت سلسله سند تا محمد بن مروان موثق است؛ اما نسبت به خود محمد بن مروان توثیقی نرسیده است مگر بگوییم: شخصیت‌های بزرگی همچون حلبی، ابان، عبدالله بن مسکان، ابویوب و دیگران از او روایت کرده‌اند و این امر وثاقت او را اثبات می‌کند.

نقد و بررسی

شهید مصطفی خمینی با اشاره به استدلال به این گونه روایات بر حرام بودن هرگونه پیکرتراشی می‌نویسد: و این که در دسته ای از روایات آمده که چهره نگاران باید به چهره‌هایی که نگاشته‌اند روح بدمند درست نیست، زیرا لازمه این سخن آن است که جسم‌ها هم روزرستاخیز برگردند و محشور شوند و حال آن که (سرای آخرت برای زندگان است اگر می‌دانستند.) از همین روی بسیاری از روایاتی که در بردارنده‌ی این نکته‌اند از نظر سندی ضعیف می‌باشند.

مرسله ابن ابی عمیر نیز افزون بر اینکه بر حجت آن اشکال است برای ثابت کردن این نظر کافی نیست. افزون بر این، مرسله ابن ابی عمیر در بر گیرنده‌ی کلمه عذاب نیست و تنها اینکه چهره نگاران (به دمیدن روح واداشته می‌شوند) کافی برای حرام بودن نیست، زیرا دلیل بیشتری برای حرمت لازم است، همان گونه که این مطلب پوشیده نیست.^۱

بنابراین با دقت در سیاق این احادیث متوجه می‌شویم که موضوع آنها مجسمه و نقاشی معمولی نیست، زیرا بر فرض که نقاشی و مجسمه سازی حرام باشد، در عداد محرمات دیگر است؛ در حالی که این روایات درباره حرام و حرمتی فوق العاده بحث می‌کنند. چرا که این روایات از عذاب ابدی صورت ساز خبر می‌دهند: «او را عذاب می‌کنند تا در آنها روح بدمد و او نمی‌تواند» و می‌دانیم که عذاب ابدی مناسب یک حرام معمولی نیست و نیز مجسمه سازی معمولی در حدی نیست که موجب آزار خدا و رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» باشد. بنابراین نقاشی و مجسمه‌ای که برای پرستش ساخته می‌شود، موضوع این روایات است.^۲

۴) روایات ظالم و ملعون دانستن مجسمه ساز

مضمون و مفاد بعضی از روایات این است که تصویرگر و مجسمه ساز ظالم و ملعون است. پس مجسمه سازی و صورتگری ظلم است و در نتیجه ممنوع بودن آن ثابت می‌شود.

۱. اسماعیل اسماعیلی شریف، نگاهی به دیدگاه فقهی شهید مصطفی خمینی، قم، موسسه فرهنگی اطلاعاتی تبیان، ۱۳۸۷،

۲۰ بهمن ۱۳۹۴

۲. مقاله صورتگری در روایات، سایت راسخون rasekhoon.net

یادآوری: روایاتی که مجسمه ساز را ظالم و ملعون معرفی می کنند عامی هستند و در جوامع روایی شیعه از طریق ائمه (علیهم السلام) نقل نشده اند.

۱. (قال: دخلت مع ابی هُریرة فی دار مروان. فرأی فیها تصاویر. فقال: سمعتُ رسولَ - صلی - علیه وآله یقول: قال - عزوجل: ومن أظلم ممن ذهب یخلقُ خلقاً کخلقی؟ فَلِیُخْلُقُوا ذَرَّةً او لِیُخْلُقُوا حَبَّةً او لِیُخْلُقُوا شَعیرَةً.^۱)

ابن زراعہ می گوید: با ابوهریره وارد خانه مروان شدیم و چون ابوهریره عکس و مجسمه هایی را در آن جا دید گفت: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می فرمود: خداوند متعال می فرماید: چه کسی ظالم تر است از کسی که همانند مخلوق مرا می آفریند. پس اگر می تواند بیافریند مورچه ای را بیافریند یا دانه گندمی را یا جوی را.

۲. (عن عون بن ابی حُجینة عن أبیه ان اشتری غُلاماً حجاماً فقال: ان النبی صلی الله علیه وآله نهی عن ثمن الدَّم و ثمن الکلب و کسب البغی و لعن آکل الرِّبَا و مُوکلہ والواشمه و المستوشمه و المصور)^۲
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از خرید و فروش خون و سگ و از گرفتن اجرت کنیزکان بدکار نهی فرمود و گیرنده و دهنده ربا و زنان خال کوب و صورتگران و سازندگان مجسمه را لعنت کرد.

نقد و بررسی

نکته اول در خصوص بحث سندی این دو روایت، باید گفت در هیچ یک از جوامع روایی شیعه از طریق ائمه نقل نشده اند و تنها در کتاب های حدیثی اهل سنت آمده اند؛ لذا از حیث سندی غیر قابل اعتمادند. از ناحیه بحث دلالتی اگر بپذیریم که این روایات از معصوم صادر شده است، نظر به مجسمه سازی، به قصد منازعت با خداوند دارند. روشن است اگر این عمل به انگیزه دعوی آفرینندگی و مخالفت با خدا باشد، عین شرک و کفر است و اگر به قصد ترویج بت پرستی و یا به عنوان همانندی با بت پرستان باشد نیز حرام و موجب استحقاق عقاب جاودانه است.

در هر صورت خیلی روشن است که به استناد این گونه اخبار بی اعتبار از حیث سند و مجمل از جهت دلالت برای اثبات حکم شرعی، خلاف فقه و فقاہت است.^۳

۵) روایات کراهت و خوش نداشتن ائمه (علیهم السلام) از نفس وجود مجسمه و نقاشی

معنای این دسته از روایات، این است که ائمه (علیهم السلام) از بودن صورت و مجسمه در خانه کراهت داشتند و دوست نداشتند که در خانه های آنان مجسمه و یا پرده دارای عکس و صورت باشد.

۱. ابی الحسین مسلم بن الحجاج قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، ج ۳، شماره حدیث: ۱۰۱ (۲۱۱۱)، ۱۳۷۰ق، ص ۱۶۷۱

۲. حسین علی منتظری نجف آبادی، دراسات فی المکاسب المحرمه، اول، قم - جلد ۱ - ۱۴۱۵ هـ، ص ۲۸۱

۳. روح الله موسوی خمینی، حرمت ساخت مجسمه جانداران، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۶، ۶/۱۲/۹۴

۱. (الحسین بن سعید عن النضر بن سوید عن القاسم بن سلیمان عن جرّاح المدائنی عن ابی عبد الله علیه السلام قال: لا تُبْنوا علی القبور و لا تصوّروا سقوف البیوت فان رسول الله (صلی الله علیه وآله) کره ذلك)^۱

بر روی قبرها بنا و ساختمان نسازید و بر سقف خانه ها صورتگری نکنید.
۲. (علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن المثنی عن ابی عبد الله علیه السلام قال: انّ علیاً علیه السلام کره الصوره فی البیوت)^۲

علی (علیه السلام) از وجود صورت و مجسمه در خانه ها کراهت داشت.
در دو روایت گذشته امام صادق (علیه السلام) کراهت داشتن از صورت و مجسمه را به رسول (ص) و حضرت امیر (علیه السلام) نسبت داد و فرمود:
پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی بن ابی طالب (علیه السلام) دوست نداشتند که صورت و مجسمه در خانه باشد.

اگر در مدلول این دو حدیث، دقت شود از اسناد کراهت به حضرت رسول و حضرت امیر شاید بشود استفاده کرد که این یک مسأله عصری بوده و با توجه به آلوده بودن فضای دینی و فرهنگی اجتماع و انحرافهای فکری و... حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیر (علیه السلام) چنین برخوردی داشتند تا اثری از آن پدیده شوم نماند.
اما در محاسن برقی روایت دیگری نقل شده که کراهت از صورت و مجسمه به خود حضرت صادق (علیه السلام) اسناد داده شده است:

۳. (علی بن الحکم و محسن بن احمد عن ابان الاحمر عن یحیی بن العلاء عن ابی عبدالله علیه السلام انه کره الصوره فی البیوت).^۳

امام صادق (علیه السلام) از بودن صورت و مجسمه در خانه ها کراهت داشتند.
روایات فراوانی در کتابهای حدیثی اهل سنت، از طریق عایشه نقل شده است که رسول خدا (ص) از وجود پرده و پارچه های دارای نقش و عکس و نیز بودن مجسمه در خانه به شدت ناراحت می شدند و اگر می دیدند پرده ای بر دیوار آویخته شده که دارای عکس و نقش است آن را از دیوار می کردند.
۴. (عن سعد بن هشام عن عایشه. قالت: کان لنا ستر فیه تمثال طائر و کان الداخل اذا دخل استقبله فقال لی رسول الله صلی الله علیه وآله: حَوِّلی هذا. فانی کُلَّمَا دخلتُ فرأیتُهُ ذکرْتُ الدنیا)^۴

^۱ ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه ق، ص ۴۶۱

^۲ احمد بن محمد بن خالد ابوجعفر برقی، محاسن، ج ۲، ص ۶۱۷

^۳ ابوجعفر احمد بن خالد برقی، محاسن، ص ۶۱۷

در خانه ما پرده ای بود دارای عکس پرنده و به جوری نصب شده بود که هر کس داخل می شد با آن روبه رو می شد. رسول خدا امر فرمود که این پرده را بردارید چون هر وقت من داخل خانه می شوم و چشمم به آن می افتد به یاد زخارف و مظاهر دنیا می افتم.

چند روایت که بر این معنی دلالت داشت، پیش از این به مناسبت بحث از روایاتی که دلالت بر عذاب صورتگران و مجسمه سازان می کردند نقل کردیم. با توجه به این که کراهت در اصطلاح صدر اوّل در قرآن به معنای حرمت اطلاق می شده و در بعضی روایات نیز کراهت به معنای حرمت استعمال شده افزون بر این در روایت داریم: حضرت امیر(علیه السلام) از چیز حلال کراهت نداشت:

(ولم یکن علیّ علیه السلام یکره الحلال)^۲ پس روایاتی که دلالت دارند پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیر(علیه السلام) از وجود صورت و مجسمه در خانه کراهت داشتند با توجه به این که آن دو بزرگوار از چیز حلال کراهت نداشتند نتیجه می گیریم که وجود صورت و مجسمه در خانه ها حلال نبوده که از آنها کراهت داشتند و اگر حلال نبودند قهراً حرام خواهند بود.

نقد و بررسی

این دسته از روایات که دلالت دارند ائمه(علیهم السلام) از وجود عکس و مجسمه در خانه کراهت داشتند به بیانی که تقریب کردیم مجموعاً چهار روایت نقل شد که اینک به بحث و بررسی سندی و دلالتی آنها می پردازیم.

بحث دلالتی: هر چند کراهت در استعمالات آیات و روایات گاهی به معنای حرمت آمده است مثل آیه: (کل ذلک کان سیئه عند ربک مکروهاً)^۳

لکن کراهت به معنای اصطلاحی مقابل مستحب در روایات زیاد استعمال شده است. به معنای اعم از کراهت و حرمت هم آمده است.

مراد از کراهت در این روایات، همان معنای مصطلح است نه به معنای حرام بخصوص که این روایات ظهور در نگاهداری عکسها و مجسمه ها دارند و ادعای اجماع شده که نگاهداری مجسمه جایز است. بنابراین این کراهت به معنای اصطلاحی خواهد بود.

اما استشهاد به روایت: (لم یکن علی علیه السلام یکره الحلال). برای اثبات این که از هر چه کراهت داشته باشند، معلوم می شود حلال نیست و هر چه حلال نباشد، پس حرام است، تمام نیست زیرا حلال

^۱ ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ هـ ق، چهارم، تهران - محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، ص ۵۲۳

^۲ محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البیت(ع)، ۱۴۰۹ هـ ق، ص ۱۵۱

^۳ اسراء(۱۷)، آیه ۲۸

نبودن مساوی با حرمت نیست بلکه با اباحه که جائز الطرفینی است نیز قابل جمع است. در این جا مراد از حلال مباح است نه حلال در مقابل حرام که حضرت امیر(علیه السلام) قطعاً از مکروه اصطلاحی کراهت داشتند.^۱

کراهت در این روایات به معنای اصطلاحی است در برابر مستحب، نه به معنای حرام برابر واجب. زیرا:

اولاً: استعمال کراهت در معنای اصطلاحی بیشتر است به طوری که اراده معنای حرمت احتیاج به قرینه دارد و یا دست کم کراهت به معنای اعم از حرمت و کراهت اصطلاحی است و اراده خصوص حرمت احتیاج به دلیل و قرینه دارد و با نبود قرینه می شود مجمل و اعتباری ندارد.

ثانیاً: استشهاد و استدلال به روایت برای این که مراد از کراهت، حرمت است تمام نیست زیرا حلال در این حدیث مقابل حرام نیست بلکه به معنای مباح است به دلیل این که اگر حلال به معنای مکروه باشد قطعاً حضرت امیر(علیه السلام) از چیز مکروه بدش می آمده و مکروهات را ترک می کرده است.

ثالثاً: با دقت در این احادیث معلوم می شود که کراهت به وجود و نگهداری مجسمه در خانه تعلق گرفته نه به مطلق نگهداری مجسمه و گرنه باید می فرمود: (یکره اقباء الصور) یا (اقتناء الصور) یا (حفظ الصور) و... شاید نگهداری مجسمه در خانه جهتی دارد که فرموده اند کراهت دارد مانند: نیامدن فرشتگان رحمت کراهت نماز، منع از حضور قلب، یا غفلت از یاد آخرت و به یاد دنیا افتادن و...^۲ و جوهی که برای معنای روایات ذکر کردیم، در سخنان شیخ انصاری^۳، آقای خوئی^۴ و... آمده است.

۶) روایت دلالت کننده بر حرمت خرید و فروش مجسمه و نقاشی

روایت عبدالله بن طلحه که در کتاب اکمال الدین از امام صادق (علیه السلام):

من أكل السحت سبعة ... و الذین یصورون التماثیل؛^۵

هفت طائفه مال حرام می خورند ... یکی از این هفت دسته کسانی هستند که تندیسها را به تصویر

می کشند.

نقد این روایت:

^۱ . مقاله حرمت ساخت جانداران، مجله فقه، شماره ۴ و ۵، ۱۳۷۴

^۲ . روح الله الموسوی الخمینی، حرمت ساخت مجسمه جانداران، همان

^۳ مرتضی بن محمد امین انصاری، دزفولی، کتاب المکاسب، ج ۱، چاپ اول، قم، منشورات دارالخذائر، ۱۴۱۱ ه ق، ص ۹۵

^۴ سید ابوالقاسم موسوی خوئی، مصباح الفقاهه (المکاسب)، ج ۱، بیجا، بیتا، ص ۲۳۷

^۵ سید حسین بروجردی، جامع احادیث شیعه، ص ۲۲۳

چنان که از قرینه مناسب حکم و موضوع^۱ به دست می آید این دسته از روایات در این نکته ظهور دارند که مقصود از تندیس ها و نقاشی ها در آنها، صورتگری بتهایی است که برای عبادت ساخته می شده است.^۲

حکم نگهداری مجسمه و نقاشی

نظر فقهای متقدم و متأخر در خصوص نگهداری نقاشی و مجسمه

الف) نظر متأخرین در نگهداری صور

متأخرین در بحث مبحث نگهداری صور، قائل بجواز شده اند. برای مثال:

۱- از کتاب شرح ارشاد محقق اردبیلی (مشهور به مقدس اردبیلی) حکایت شده است که ایشان گفته

اند:

از اخبار صحیحه و اقوال اصحاب استفاده می شود که باقی گذاشتن تصویرها حرام نیست.^۳

بعبارت دیگر، نگهداری تابلوهای نقاشی و مجسمه سازی نمایشی، در منازل و محل کار بلا مانع

است.

^۱ اصل مناسبت حکم و موضوع ریشه در برداشتها و خردورزی های عمومی دارد. با « مناسبت حکم و موضوع » اصل نگاهی عرفگرایانه و در عین حال مورد تأیید شرع، به سازواری و سازگاریهای میان حکم و موضوع در هر نص دینی نظر دارد و با فهم درست آن پی برده میشود که حکم اطلاق دارد و یا تقیید می خورد؛ در موضوع خود عمومیت دارد و یا اینکه تخصیص خورده است. (دکتر ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی، مناسبت حکم و موضوع: کارکردها و سازوکارهای تشخیص در بیان فقیهان، استادیار دانشگاه یاسوج، دکتر اردوان ارژنگ، استادیار دانشگاه یاسوج، مطالعات اسلامی: فقه و اصول سال چهل و چهارم، شماره پیاپی ۹۱، زمستان ۱۳۹۱، ص ۶۷-۶۸)

شاهد صدر که کاربرد مناسبت میان حکم و موضوع را از ادله لفظی می داند در توضیح آن باور دارد گاه حکم در دلیلی با لفظی پیوند برقرار می کند که معنایی عام دارد ولی عرف در مییابد که حکم تنها به بخشی از آن مدلول وابسته است؛ مثلاً اگر گفته شود پیراهنت را هنگامی که با ادرار برخور کرد، بشوی « شستن «غسل» در لغت بر کاربرد هر مایعی گفته می شود، ولی عرف از این دلیل در می یابد که این آب است که تنها پاک کننده است. گاه از حکم در دلیل بر می آید که مرتبط با حالت ویژه ای است ولی عرف در می یابد که این تنها از باب نمونه است. مانند این که در دلیلی بیاید «از مشکی که آب آن آلوده به نجاست شده است وضو نگیر و آب ننوش» دریافت می شود که آب کوزه نیز چنین است و حکم اختصاص به آب مشک ندارد. (صدر، دروس فی العلم الاصول، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، ۱۴۰۶ق، ۲۸۸/۱)

^۲ سید محسن خرازی، حکم نقاشی و مجسمه سازی از نگاه شریعت، قم، دایره المعارف الفقه الاسلامیه، مجله فقه اهل بیت

«علیهم السلام»، سال پنجم، شماره ۱۷ و ۱۸، بهار و تابستان ۷۸، صص ۹۴ الی ۱۳۲

^۳ احمد بن محمد اردبیلی، مجمع الفائده والبرهان فی شرح الإرشاد الأذهان، ج ۲، ص ۱۳۸

۲-دومین کسی که بر عدم حرمت نگهداری تصویرها نظر داده، کسی است که فرمایش مقدس اردبیلی را از «شرح ارشاد» حکایت کرده است. زیرا آن حاکی با نقل قول کردنش، در واقع فرمایش مقدس را تایید نموده است.^۱

۳-سومین شخصی که اعتراف کرده، دلیل بر حرمت نگهداری صور نداریم یعنی نگاهداشتن حرام نیست محقق ثانی، (کرکی) در جمع المقاصد فی شرح القواعد است.^۲

محقق بر این مطلب تفریع کرده و فرموده: پس اگر نگاهداشتن عیب ندارد، خرید و فروش این تصاویر معمولی هم جایز است. و باز تفریع کرده و گفته است که آن تصویرها به آلات لهو و قمار و ظروف طلا و نقره (که قطعاً نگاهداشتنشان حرام بوده و موجب فساد است) ملحق نیست.

و در حاشیه تصریح کرده که نگاه کردن به این تصاویر عادی جایز است (و پیداست که مراد از نظر در اینجا نگهداری می باشد زیرا انسان اصولاً تصاویر را برای تماشا نگاه می دارد. بنابراین منظور شریف ایشان که فرمودند نگاه کردن جایز است، طبعاً بایستی نگهداری آنها باشد، که در اینصورت نگاهداشتن این عروسکهای متداول در میان مردم ما، و صور معموله که در مطبوعات و مجلات بچاپ رسیده، و در منزل جمع آوری می شود، عیبی ندارد).

ج) نظر متقدمین در نگهداری صور

این گروه از قداما که ذیلاً بذکر آنها خواهیم پرداخت، در باب نگهداری و خرید و فروش تمثالها، قائل به حرمت شده اند.

۱-شیخ مفید علیه الرحمه در کتاب مقنعه بعد از آنکه چیزهائی که کاسبی کردن بوسیله آنها حرام است را متذکر می گردد، مثل خمر و ساختن آن و فروش آن (که اینها قطعاً از کسبهای حرام است) می فرماید: و ساختن بت ها و صلیب ها و تمثالهای مجسمه و شطرنج و نرد (که از ابزارهای معروف قمار بشمار می آیند) و آنچه شبیه اینجور چیزها باشد حرام است، و خرید و فروششان هم حرام می باشد.^۳

۱. سید جواد بن محمد حسینی عاملی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، ج ۴، ص ۴۹

۲. علی بن حسین عاملی کرکی (محقق ثانی)، جامع المقاصد، ج ۴، چاپ دوم، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۴، ص ۱۶

۳. محمد بن محمد بن نعمان عکبری، مقنعه، ص ۵۸۸

۲- شیخ طوسی رضوان الله علیه در کتاب نهایی چنین دارد که ساختن بت ها و صلیب ها و تمثال های مجسمه و شطرنج و نرد و سایر انواع قمار حتی گردو بازی بچه ها و تجارت و تصرف در این قسمتها و کسب کردن به وسیله اینها ممنوع است.^۱

۳- ابن ادریس صاحب سرائر ظاهراً مثل همان عبارت مرحوم شیخ طوسی را در کتاب خود دارد.^۲

(۱) ادله متقدمین در حرمت نگهداری صور

دلیل اول : ممکن است برای حرمت صور اینگونه استدلال شود که ظاهراً چون آن چیز ، یک مبعوضیت ذاتی دارد لذا ساختنش حرام است . هم از ابتدا (ساختنش مبعوض است) و هم تداوم و نگهداریش یک چنین حالتی دارد .

بعبارت دیگر می توان گفت هرچیزی که ساختنش مبعوض است طبعاً نگهداری آنهم مبعوض است.

دلیل دوم : صحیحه ابن مسلم که گفت ، اباعبدالله علیه السلام در مورد تماثیل درخت و خورشید و ماه - که چه حکمی دارند ؟ فرمود : این تصویرها عیبی ندارند ، اما بشرط اینکه دارای روح نباشند.^۳ (یعنی نگهداری تصاویر صاحبان روح حرام است .)

سؤال : اگر در اینجا از اقامه کنندگان این دلیل پرسیده شود ، شما از کجای این روایت می فهمید نگهداریش عیب دارد ؟

پاسخ خواهند داد که اگر دقت شود ، پرسش راوی از تماثیل ، سؤال از حکم فعلی متعارف ، که مورد ابتلاء همگان است یعنی صور، می باشد . اصولاً در تمام موارد که انسانها در محاوراتشان از اشیاء می پرسند ، بی شک از استفاده آنها می پرسند ، نه از ساختن آنها .

چه ، ساختن و ایجاد اینها (صور) ، عمل خاصی است که اختصاص به خود نقاش ها و مجسمه سازها دارد . مگر نمی بینید که اگر یک نفر فرضاً بیاید از شما بپرسد (یا شیخ) شراب چطور است ؟ شما هم جواب بگوئید حرام است . و یا از آب انگور بپرسد و شما جواب بدهید مباح است ، ذهن سامع منصرف به نوشیدن آن می شود نه بساختن آن .

۱ . محمد بن حسن ابوجعفر طوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۳۶۴

۲ . محمد بن منصور بن احمد ابن ادریس (حلی)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰، ص ۲۱۵

۳ . احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۲۱۹

بنابراین در همین چیزی که هم اکنون مورد بحث ماست ، یعنی تصویر صور ، بطریق اولی منصرف در استفاده است نه در ساختن .

زیرا ساختن آب انگور و شراب بوسیله اکثر مردم امکان پذیر است ، بخلاف ساختن نقاشی و مجسمه سازی که کار هر کس نیست (و پیکاسو و میکل آنژها را می خواهد).

دلیل سوم : روایت تحف العقول (قسمت پایانی) که امام صادق علیه السلام در تفسیر صناعات فرمود :

خداوند صنعتی را که همه اش حرام کاریست ، و فساد از آن بوجود می آید حرام کرده است نظیر تارسازی و نی سازی و شطرنج سازی ، و هر آلت لهو و ساختن صلیبها و بتها و آنچه مانند آنست از ساختن نوشابه های حرام ، و آنچه که فساد محض از آن است و در آن است و هیچ صلاحی در آن نیست و از آن بدست نیاید . آموختنش و یاد گرفتانش و عمل بدان ، و مزد ستاندن بر آن هر گونه زیر و رو کردنش از جمیع تصرفات حرام است ...^۱

پس ظاهر روایت مذکور اینست که هر چیزی که ساختن آن حرام است ، از جمله تصاویر ، چون فساد ذاتی و وجودی دارند و جز فساد محض از آن اثری بر نمی خیزد - نه کسی از آن می تواند استفاده کند و نه در وجود آن یک مصلحت و فایده ای نهفته است - در نتیجه جمیع تصرفات در آن حرام است . (یعنی نه می شود دست بچه داد و نه به دیوار نصبش کرد و نه روی طاقچه در معرض تماشایش گذاشت).

۲) رد دلایل قدما توسط شیخ اعظم انصاری

شیخ رضوان الله علیه قائل بجواز نگهداری صور و تماثیل می باشد لذا یک به یک دلایل آنها را رد می کند.

رد دلیل اول : (قدما می گفتند هر چیزی که ساختن آن مبعوض باشد پس نگهداریش هم طبعاً مبعوضیت وجودی دارد ، بنابراین اقتناءش برای انسان جایز نیست).

شیخ متقابلاً می فرماید : این حرف شما درست نیست چون آنچه ممنوع و مبعوض می باشد ، عبارت از ساختن صورت هاست ، نه وجود آنها. بله گاهی این ملازمت - که خود عمل و باقی گذاشتن عمل هردو حرام است - از سیاق و نظم دلیل یا از دلیل خارج فهمیده می شود .

۱ . حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۳۵

همانطور که ایجاد نجاست در مسجد حرام است ، مستلزم مبعوضیت وجود آن نیز هست ، پس ناگزیر باید آن نجاست از مسجد رفع گردد . (و بهمین نحو است ساختن بت و نگهداری آن).

رد دلیل دوم : و اما روایات ، پس در صحیحه اولی ظهوری ندارد ، که تقسیم صنعت ها داشت : که هم حلال و هم حرام بر آنها مترتب است (مثل چاقو که هم استفاده حرام) و آنچه که بر آنها بجز حرام مترتب نیست (مثل بت و صلیب و تار .. که خلص در امور فسادآور مورد بهره برداری قرار می گیرند) نسبت باین دو قسم ، حصر اضافی است . یعنی از این دو قسم حرام نیست . مگر آن قسمتی که فایده اش صرفا در حرام (خلاصه) می شود و جز فساد فایده دیگری بر آن مترتب نیست .

بله ممکن است گفته شود که حصر در مقابل و بیان قاعده و ضابطه کلی وارد شده نه خصوص حرمت یک قسم مذکور ، یعنی بطور کلی به بیان علت می پردازد که هرچیزی که فاسد باشد ، این فساد سبب می شود که مطلق تصرفاتی در آن اعم از ساختن و نگهداری حرام گردد . البته باید بگویم که این روایت تحف العقول یک اشکال سندی دارد و آن اینکه مرسله است .

مرحوم ایروانی در حاشیه مکاسب بر ظاهر روایت تحف العقول که اگر چیزی ایجادش حرام باشد بقاء اش هم حرام است اشکال کرده که ولد الزنا ایجادش حرام است اما بچه زنا بقاءش حرام نیست . که بنظر ما این قیاس مع الفارقی است ، اینجا بحث از نقوش است ، او از نقوش مثال آورده !

با توجه به بررسی ادله متقدمین و متاخرین در خصوص بحث نگهداری مجسمه و نقاشی، به این نتیجه می رسیم که متأخرین از فقها مانند محقق اردبیلی، محقق ثانی و صاحب جواهر قائل به جواز نگهداری شده اند، اما متقدمین از فقها مانند شیخ طوسی و شیخ مفید و ابن ادریس قائل به حرمت شده اند و برای نظر خود تمسک به دلیل عقلی و روایت کرده اند. اما شیخ انصاری دلایل روایی آنها را مردود دانسته و قائل به جواز نگهداری شده و در این خصوص روایاتی را در باب جواز نگهداری مجسمه و نقاشی آورده است.

نتیجه گیری

با تأمل در آیاتی که مورد بررسی قرار گرفت به این نتیجه می‌رسیم که تمامی این آیات اشاره به مسأله بت پرستی در عصر جاهلیت دارد که خداوند متعال با فرستادن پیامبران (علیهم السلام) مردم آن زمان را از آن نهی کرده است. خداوند بت پرستی را حرام دانسته و مرتکب آن را گناهکار می‌داند ولی این آیات ارتباطی به اصل مسئله جواز و عدم جواز مجسمه سازی ندارد.

با بررسی روایات وارد شده در زمینه نقاشی و مجسمه سازی به وضوح مشخص شد که نقاشی و مجسمه چیزهای فاقد روح مانند درختان، میوه‌ها، کوه‌ها، رودخانه‌ها، باغ‌ها و نظایر آنها اشکالی ندارد.

اما روایاتی که در خصوص مطلق حرمت وارد شده است، مانند روایاتی که به مجسمه ساز تکلیف می‌شود در نقاشی و مجسمه خود روح بدمد، روایاتی که مجسمه ساز را ظالم و ملعون می‌دانست، روایاتی که ساخت مجسمه و نقاشی را موجب کراهت داشتن ائمه (علیهم السلام) می‌دانست به این نتیجه می‌رسیم که در تمامی موارد نکته‌ای که حائز اهمیت است این می‌باشد که نقاشی و مجسمه سازی که مورد نهی واقع شده است در خصوص هیاکل عبادت و بت پرستی در دوران جاهلیت و هم چنین اظهار همانندی و خود را شریک خدا دانستن می‌باشد، که این موارد لطمه‌ای به بحث مجسمه سازی و نقاشی جانداران نمی‌زند.

از نظر شیخ انصاری نیز تصویر موجودات بی روح، اشکالی ندارد. اما کشیدن چهره و اندام کامل از موجود جاندار حرام است، ولی نگاهداری آنها در خانه و محل زندگی و کار مباح می‌باشد؛ ایشان همانطوری که نگاهداری تصویر موجود ذی روح را جایز می‌داند، نگهداشتن مجسمه آن را نیز مباح می‌داند. و هم چنین ایشان معتقدند خرید و فروش مجسمه ولو این که بت باشد و مورد احترام مشرکان، در صورتی که جنبه‌ی کاربرد حلال آن قوی و قابل اعتنا باشد و اندک و ناچیز به حساب نیاید، خرید و فروش آن به انگیزه منفعت حلال جایز می‌باشد.

در خصوص بحث نگهداری مجسمه و نقاشی، متأخرین از فقها مانند محقق اردبیلی، محقق ثانی و صاحب جواهر قائل به جواز نگهداری شده‌اند، اما متقدمین از فقها مانند شیخ طوسی و شیخ مفید و ابن ادریس قائل به حرمت شده‌اند و برای نظر خود تمسک به دلیل عقلی و روایت کرده‌اند. اما شیخ انصاری دلایل روایی آنها را مردود دانسته و قائل به جواز نگهداری شده و در این خصوص روایاتی را در باب جواز نگهداری مجسمه و نقاشی آورده است.

*قرآن کریم

۱. ابن ادریس (حلی)، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰.
۲. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، چاپ دوم، قم: دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ه ق.
۳. ابن نعمان عکبری، محمد بن محمد، مقنعه.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده والبرهان فی شرح الإرشاد الأذهان، ج ۲.
۵. اسماعیلی شریف، اسماعیل، نگاهی به دیدگاه فقهی شهید مصطفی خمینی، قم: موسسه فرهنگی اطلاعاتی تبیان، ۲۰، ۱۳۸۷ بهمن ۱۳۹۴.
۶. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، کتاب مکاسب، ج ۱، چاپ اول، قم: منشورات دارالخذائر، ۱۴۱۱ ه ق.
۷. انصاری، مرتضی بن محمد امین، مکاسب محرمة، ترجمه محمد مسعود عباسی، چاپ چهارم، قم: انتشارات دارالعلم.
۸. برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، المحاسن برقی، جلد ۲، چاپ دوم، قم: دارالکتب السلامیه، ۱۳۷۱ ه ق.
۹. بروجردی، سید حسین، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۷، ح و ۱۵، قم: المطبعه العلمیه، بی تا.
۱۰. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۵ و ۱۸، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ه ق.
۱۲. حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، مفتاح الکرامه فی شرح القواعد علامه، ج ۴، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ ه ق.
۱۳. حسینی، سید احمد، کاوشی نو در فقه اسلامی، ج ۴، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸ ق.
۱۴. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، ج ۱۱ و ۱۶، تهران ۱۴۰۴ ق.
۱۵. خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، چاپ دوم، بی جا، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ه ق.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۴ و ۱۹، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۳.
۱۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۱، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه ق.
۱۹. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان، ج ۹، تهران: اسلام، ۱۳۷۸.
۲۰. عاملی کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین، جامع المقاصد، ج ۴، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البیت، .
۲۱. القشیری النیشابوری، ابی الحسن مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، تحقیق فؤاد عبدالباقی، جلد ۲ و ۳، بیروت: دارالحیاء التراث العربیه، ۲۰۶-۲۶۱ ق.
۲۲. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۶ و ۱۳، چاپ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ه ق.
۲۳. منتظری نجف آبادی، حسین علی، دراسات فی مکاسب المحرمه، جلد ۱، چاپ اول، قم: بی نا، ۱۴۱۵ ه ق.
۲۴. موسوی خمینی، سید روح الله، حرمت ساخت مجسمه جانداران، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۶، ۹۴/۱۲/۶
۲۵. موسوی خمینی، سید روح الله، مکاسب محرمه، جلد اول، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ ق.
۲۶. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه (المکاسب)، ج ۱، بیجا، بیتا.
۲۷. نجفی ایروانی، علی بن الحسین، حاشیه مکاسب، جلد ۱، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ ق.

فهرست مقالات

۲۸. سید محسن خرازی، «حکم نقاشی و مجسمه سازی از نگاه شریعت»، دائره المعارف الفقه الاسلامیه، قم، مجله فقه اهل بیت «علیهم السلام»، سال پنجم، شماره ۱۷ و ۱۸، بهار و تابستان ۷۸.
۲۹. ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی و اردوان ارژنگ، «مناسبت حکم و موضوع: کارکردها و سازوکارهای تشخیص در بیان فقیهان»، مطالعات اسلامی فقه و اصول، سال چهل و چهارم، شماره پیاپی ۹۱، زمستان ۱۳۹۱، ص ۶۷-۶۸.
۳۰. مقاله حرمت ساخت جانداران، مجله فقه، شماره ۴ و ۵، ۱۳۷۴
۳۱. مقاله صورتگری در روایات، سایت راسخون rasekhoon.net